

## متن پرسش

باسمه تعالی. سلام علیکم. چند سوال خدمتتان داشتم که امیدوارم فرصت کنید و سوالات را به صورت مجزا پاسخ دهید. ۱- علامه طباطبایی در رساله انسان قبل از دنیا عوالم را به عالم خلق، مثال (برزخ) و عقل (روح) تقسیم می‌کنند. از طرفی آیت الله شجاعی در کتاب عروج روح عوالم را به عالم ماده، مثال و مجرد تقسیم می‌کنند. آیا این تقسیم بندی ها بر هم منطبق هستند؟ ۲- آیا فرق عالم مثال و عقل در این است که با اینکه هر دو منفک از ماده هستند ولی در مثال صورت و شکل وجود دارد؟ منظور از این صورت و شکل چیست؟ ۳- علامه در ادامه مطالبشان به اثبات عالم امر و بیان ویژگی های آن می‌پردازند ولی دقیقا مشخص نمی‌کنند که عالم امر همان عالم مثال است یا عالم عقل؟ ۴- عالم قیامت در مرتبه ای بالاتر از این عوالم است یا خیر؟ ۵- اگر مطلب یا منبع و کتابی در رابطه با عالم امر و خلق معرفی کنید، ممنون میشوم. ۶- بنده چند ماه قبل طرح تفصیلی پایان نامه ام را برای حضرتعالی با عنوان "تحلیل مقایسه ای سنن الهی و قوانین طبیعی مکتب فیزیوکراسی و تاثیر آنها بر رفتار اقتصادی انسان" فرستادم. حال مکانیسمی برای تحقق سنن الهی در نظام هستی به ذهنم رسیده است. می‌خواستم ببینید که از لحاظ مبنایی مشکلی دارد یا خیر. این مکانیسم برای مجاری تحقق سنن الهی بر اساس "توحید افعالی" تعبیه شده است. به این ترتیب که تحقق سنن الهی بر اساس توحید افعالی اولاً مربوط به خداوند و عالم امر است، ثانیاً مربوط به انسان و عالم خلق است (البته با در نظر گرفتن رابطه طولی یا همان توحید افعالی). به نظرم همه سنن الهی با یکدیگر پیوندی ناگسستنی در عالم امر دارند به گونه ای که اگر دست بر روی هر کدام از آنها بگذاریم و بخواهیم آن را تحلیل کنیم قطعا و بدون شک با همه سنتهای دیگر برخورد میکنیم حال اثر یکی کمتر و دیگری بیشتر. (دقیقا مشابه اتصال اتمهایی که در آزمایشگاه های فیزیک مشاهده می‌شود که با تکان دادن یکی همگی به لرزش می‌افتند، حال یکی بیشتر و دیگری کمتر). این سنن الهی همگی در عالم امر (با همه ویژگی هایش) حضور دارند و در صورت حاصل شدن همه شرایط توسط انسان در عالم خلق، محقق می‌شوند. این شرایط که با استفاده از اختیار انسان در عالم خلق صورت می‌گیرد یا دفع موانع هستند و یا ایجاد عوامل (به عبارت معروف مانع مفقود و مقتضی موجود). ۸- من میخواهم بدانم اگر استاد طاهرزاده از فردا فقط به خالقیت خدا اعتقاد داشته باشند و نه به ربوبیت و پروردگاری حضرت حق، رفتارهایشان چه تغییری خواهد کرد. به عبارت دیگر میخواهم تاثیر جهان بینی بر رفتار انسان را بدانم؟ اگر در خلال پاسختان چند مثال عینی و مصداقی بزنید ممنون میشوم (اگر مثالهایتان اقتصادی باشد بهتر است. یعنی چگونگی تاثیر جهان بینی بر رفتار اقتصادی انسان). این سوال را از آن جهت پرسیدم که ظاهرا!

اعتقاد به قوانین طبیعی منجر به حذف ربوبیت خدا و اعتقاد به خدای ساعت ساز و رخنه پوش و ... می شود. حال میخواهم بدانم که اگر مکتبی همچون فیزیوکراسی (یا حاکمیت طبیعت) اعتقاد به این مساله دارد، چه تاثیری بر رفتارهای اقتصادی پیروانش می گذارد؟ با تشکر فراوان.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- کاملاً منطبق است چون عالم خلق به تعبیر علامه عالم تألیف اجزاء مخلوق است که تنها در عالم ماده معنا می دهد ۲- عالم مثال مثل صورت های ذهنی جرم ماده را ندارد ولی شکل دارد، به همین جهت به آن برزخ بین ماده و عقل می گویند ۳- عالم امر یعنی عالم بی زمان که شامل عالم مثال و عالم عقل هر دو می شود ۴- عالم قیامت دارای وسعتی است که می توان گفت جامع بین عالم مثال و عالم عقل است و انسان ها از بُعد عقلی خود با وجه عقلی عالم قیامت مرتبط اند و از بُعد خیالی خود با وجه مثالی عالم قیامت مرتبط هستند ۵- به طور مشخص چیزی در ذهن نیست ۶- همین طور است که می فرمایید رابطه ی عالم امر با عالم خلق مثل رابطه ی الفاظ ما است نسبت به فکری که در پشت این الفاظ القاء می کنیم و اگر فکر نکنیم و الفاظ را اداء کنیم. الفاظ تنها صورت های پراکنده ای خواهند بود. قسمت آخر سؤال تان فرض بی ربطی است. بیکارید از این فرض ها می کنید تا ذهن و فکر خود را اسیر توهمات بگردانید؟ موفق باشید